

پول در اقتصاد اسلامی

از دید اعتباریات علامه طباطبائی رحمته الله علیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۴/۲۴

حسن سبحانی*
علی اصغر قائمی نیا**

چکیده

پول، یکی از مفهومی‌های چالش برانگیز اقتصاد است و می‌توان تفسیرهای آن را به تعداد مکتب‌ها و نحله‌های فکری اقتصاد، متکثر و متنوع دانست. در تحقیق پیش رو در پی فهم پول نه از دید فقهی بلکه از نگاه فلسفی هستیم. پرسش اصلی تحقیق حقیقت‌شناسی پول از رهگذر فلسفی است. فرضیه تحقیق به تبعیت از بحث اعتباریات علامه رحمته الله علیه عبارت از این است که «پول مفهومی اعتباری می‌باشد». تلقی اعتباری از پول دلالت‌های قابل توجهی برای اقتصاد اسلامی دارد که در مقاله پیش رو آنها را تبیین کرده‌ایم. پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد؛ بنابراین کالا نیست. همچنین پول تابع احتیاج‌های حیاتی و عامل‌های ویژه محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند؛ در نتیجه تنوع اشکال پولی مجاز و البته با توجه به گسترش نیازها ضروری است و پول در هر شکلی، فقط به ازای نفس‌الامر حقیقی خود باید پدید آید. همچنین پول نسبی، موقت و غیرضروری است.

واژگان کلیدی: پول، اعتباریات، ادراک‌های اعتباری، اصل ملک.

طبقه‌بندی JEL: E40, E41, E51

۶۹

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال شانزدهم / شماره ۶۳ / پاییز ۱۳۹۵

Email: obhanihs@ut.ac.ir.

*. استاد اقتصاد دانشگاه تهران.

Email: ghaemini@ut.ac.ir.

** دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی دانشگاه تهران.

مقدمه

پول از مفهومی‌های چالش‌برانگیز اقتصاد است و می‌توان تفسیرهای آن را به تعداد مکتب‌ها و نحله‌های فکری اقتصاد، متکثر و متنوع دانست. با گسترش روزافزون مبادله‌های اقتصادی و شکل‌گیری نیازهای جدید در عصر کنونی، شاهد تطور پول در صورت‌های گوناگون هستیم که این موضوع خود بر چالش‌های موجود می‌افزاید. به‌طور کلی، پول بی‌شک یکی از قدرتمندترین نهادهای اقتصادی بشری است و ابهام در چیستی و ماهیت آن، دشواری‌ها و سوءبرداشت‌های فراوانی را برای نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران به بار آورده است.

در مطالعه‌های اقتصادی از دید اسلام ماهیت پول به‌طور عمده با صبغه فقهی و معطوف به مثلی یا قیمی بودن پول بحث شده است. پول از دید فقهی مال شمرده شده و فقیهان به‌طور عمده آن را در گروه مثلیات قرار می‌دهند (یوسفی، ۱۳۷۷، ص ۱۷). این نگاه فقط از این جهت راهگشا است که محدودیت‌های پول را به‌ویژه در مسئله ربا مشخص می‌سازند اما رویارویی فعالی با مسائلی مانند کیفیت خلق پول و سیاست‌گذاری پولی صورت نگرفته است. در مقاله پیش رو در پی بررسی حقیقت پول از نگاه فلسفی هستیم؛ بنابراین پرسش اصلی تحقیق پرسش از حقیقت پول است. فرضیه تحقیق به تبعیت از بحث اعتباریات علامه علیه السلام عبارت از این است که «پول، مفهومی اعتباری است».

مرحوم علامه طباطبایی علیه السلام مفهوم پول را در ابتکار فلسفه اجتماعی خود یعنی ادراک‌های اعتباری مطرح ساخته‌اند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۴۴۵). به باورهای وی راه زندگی انسان با فرایند اعتبارسازی هموار می‌شود. اعتباریات در ذهن انسان به‌صورت ادراک‌های اعتباری متجلی می‌شود. ادراک‌های اعتباری فرض‌هایی است که ذهن به‌منظور رفع احتیاج‌های حیاتی، آنها را ساخته و جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس‌الامر* سروکاری ندارد. مرحوم علامه علیه السلام اعتباریات را به دو دسته پیش از اجتماع و

* . نفس‌الامر در فلسفه اسلامی به ذات شیء و حقیقت آن اشاره دارد. نخستین پرسشی که عقل را به تأمل وامی‌دارد، این است که ملاک صحت (صدق) و خطا (کذب) چیست؟ پاسخ عقل که از نهاد آن برمی‌خیزد این است که ملاک درست صحت (حقیقت = صدق) مطابقت شناخت با واقع و نفس‌الامر است (رک. به: اردستانی، ۱۳۹۲).

پس از اجتماع تقسیم می‌کند که اعتباریات دسته دوم، قائم به وجود جامعه است. در این تقسیم‌بندی، پول به‌عنوان اعتباری پس از اجتماع شناخته می‌شود که محصول اصل ملک است. توضیح آنکه اصل اختصاص پیش از اجتماع، به اصل ملک پس از اجتماع تغییر می‌یابد؛ سپس انسان به‌علت تنوع نیازها، تبدیل را در آنچه که داراست، اعتبار می‌کند و از آنجا که دیگری نیز به چنین اعتباری رسیده است، مبادله به‌صورت بین‌الذنهانی اعتبار می‌شود؛ اما از آنجا که لزوماً تعادلی بین نیازهای دو طرف وجود ندارد «پول» به‌عنوان واسطه مبادله اعتبار می‌شود.

تلقی اعتباری از پول، دلالت‌های قابل توجهی برای اقتصاد اسلامی دارد که در مقاله پیش رو در تبیین آنها می‌کوشیم. از جمله آنکه پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد؛ بنابراین پول کالا نیست. این دیدگاه در آرای کارل پولانی اقتصاددانان نئومارکسیست معاصر و نیز نظریه‌های دیوید هیوم و جان لاک نیز به چشم می‌خورد. همچنین شکل پول تابع احتیاج‌های حیاتی و عوامل ویژه محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند؛ بنابراین تنوع اشکال پولی مجاز و البته با توجه به گسترش نیازها ضروری است و پول در هر شکلی، فقط به ازای نفس‌الامر حقیقی خود باید پدید آید. این دیدگاه موافق نظر ریکاردو در مجادله‌های شمش‌گرایان است. سرانجام پول نسبی، موقت و غیرضروری است؛ بنابراین ضرورتی در توسعه حتمی پول و نهادهای آن اعم از بانک نیست.

مقاله پیش رو چهار بخش دارد: بخش اول به ادبیات موضوع اختصاص دارد؛ در بخش دوم کوشیده شده است موضوع اعتباریات علامه علیه السلام به‌صورت فشرده بیان شود. تعریف اعتباریات، ادراک‌های اعتباری و حقیقی، اعتباریات پیش و پس از اجتماع و مبانی دینی آن بحث‌های این بخش را تشکیل می‌دهند. بخش سوم به‌صورت خاص به اعتبار پول می‌پردازد. بعد از تبیین چگونگی شکل‌گیری پول از دید ادراک‌های اعتباری، دلالت‌های مفهومی و اجتماعی آن بحث خواهد شد. در این بخش دیدگاه‌های موجود در اقتصاد نیز که قرابت فراوانی با دلالت‌های ما دارند، از نظر خواهند گذشت. بخش چهارم، جمع‌بندی بخش‌های پیشین و ترسیم راه پیش روی مقاله است. به رغم ارتباط وثیق بین فلسفه و اقتصاد اسلامی این حوزه بینارشته‌ای تا کنون به تفصیل بررسی نشده است که هدف از تدوین مقاله پیش رو رسیدن به همین مهم است؛ در

حالی که موضوع ادراک‌های اعتباری موضوعی در فلسفه اجتماعی است، تمسک به آن در جهت تدوین اقتصاد اسلامی بی‌جهت و بی‌ثمر نخواهد بود.

ادبیات موضوع

واقعیت اجتماعی، هر گونه شیوه عملی ثابت‌شده یا ثابت‌نشده‌ای است که بتواند از خارج فرد را مجبور سازد. همچنین واقعیت اجتماعی در عین داشتن وجود ویژه و مستقل از تظاهرهای فردی، در سراسر جامعه معینی عام دارد (دورکیم، ۱۳۹۳، ص ۳۷). از این حیث، پول یک واقعیت اجتماعی است چرا که پول واسطه مبادله‌ای می‌باشد که طرفین را متعهد به انتقال کالا یا خدمت می‌کند، همچنین پول در هر جامعه‌ای متحدالشکل است. موضوع واقعیت اجتماعی نزد فیلسوفان اسلامی نیز با عنوان اعتباریات بحث شده است. از نظر مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله عمل اعتبارکردن عبارت است از: «با عامل‌های حسی حد چیزی را به چیز دیگری بدهیم، به‌منظور ترتیب آثاری که ارتباط با عامل‌های احساسی خود دارند» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۱۶۱). اعتباریات در ذهن انسان به‌صورت ادراک‌های اعتباری متجلی می‌شود. ادراک‌های اعتباری «فرض‌هایی است که ذهن به‌منظور رفع احتیاج‌های حیاتی، آنها را ساخته و جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس‌الامر سروکاری ندارد» (همان، ص ۱۳۸). ما یک تکه کاغذ را به‌عنوان پول، اعتبار می‌کنیم؛ یعنی انسان‌ها به یک تکه کاغذ (اسکناس) ارزش را به‌عنوان امر اعتباری مرتب می‌سازند و با معاوضه آن با کالاها و خدمات، نیازهای حقیقی خود را مرتفع می‌سازند. این اعتبار فارغ از نوع پول صورت می‌گیرد و به این ارتباطی ندارد که پول در ذات خود با ارزش است یا نه؟ پول پیش از آنکه بخواهد به‌واسطه با ارزش بودن یا نبودنش با کالاها و خدمات مبادله شود، به این علت معادل ارزش اسمی خود برطرف‌کننده نیازهای حقیقی انسان است که انسان‌ها ارزش را بر آن اعتبار کرده‌اند.

واقعیت اجتماعی از دیدگاه جان سرل (۱۹۹۵م) ویژگی‌هایی دارد که وی در تبیین آنها مکرراً از مفهوم پول به‌عنوان شاهد مثال استفاده می‌کند، برخی از آنها به قرار زیر است:

۱. تصویری که ما از یک پدیده اجتماعی داریم، خودش یک جزء سازنده آن پدیده است: «برای اینکه مفهوم پول برای ماده‌ای که در جیب من است به کار برده شود، باید این ماده همان چیزی باشد که مردم می‌اندیشند پول است. اگر همه باور خود به پول‌بودن آن را از

دست بدهند، کارکرد آن به عنوان پول متوقف می‌شود و دیگر پول نخواهد بود». در این باره سرل باور دارد است در مدتی که شیء به عنوان ایفاکننده نقشی در رفتارها در نظر گرفته می‌شود، در عمل در تعریف پول، به کلمه پول احتیاج نداریم. کافی است کسی باور داشته باشد هویت‌های مورد بحث واسطه مبادله، منبع ارزش و وسیله پرداخت قرض‌ها و حقوق در برابر خدمات هستند.

۲. به طور ذاتی واقعیت اجتماعی بدون واقعیت طبیعی وجود ندارد. پول باید در صورتی فیزیکی مانند کاغذ، فلز یا انواع دیگر نمایان شود. اینکه در کدام حالت فیزیکی باشد اهمیت چندانی ندارد؛ اما مسئله این است که به هر حال باید صورت فیزیکی وجود داشته باشد.

۳. واقعیت اجتماعی در یک مجموعه‌ای از روابط نظام مند نسبت به دیگر وقایع وجود دارد؛ به طور مثال، پول بدون وجود نظام تبادل کالا و خدمات ویژه نمی‌تواند وجود داشته باشد و برای نظام تبادل کالا نظام مالکیت ضروری است.

۴. هویت‌های اجتماعی به وسیله عمل‌کردهای اجتماعی ساخته می‌شود. در حقیقت یک شیء یا هویت اجتماعی، فقط تداوم امکان انجام فعل اجتماعی است؛ به طور مثال، اسکناس بیست دلاری امکان ثابتی است برای پرداخت در برابر چیزی؛ یعنی طی عمل‌کرد اجتماعی پول در طی زمان هویت خود را پیدا می‌کند. به یک شیء مادی در طی فرایندی عبارت اسمی تعلق می‌گیرد و محصولی مثل پول پدید می‌آید؛ اما همین عبارت اسمی یعنی «پول» ما را از درک این فرایند غافل می‌سازد؛ اگرچه فرایند بر محصول مقدم است.

به لحاظ تجربی این نکته آشکار است که امروزه عمده پول، به شکل پول اعتباری وجود دارد؛ اما در تحقیق پیش رو در پی این هدف نیستیم بلکه می‌خواهیم نشان دهیم چه استدلالی پشت این دیدگاه است که پول اعتباری که رابطه اجتماعی را شکل می‌دهد، چگونه تمام انواع پول، حتی پول قدیمی کالایی را نیز در بر می‌گیرد. این بحث به طور کلی به وسیله زیمل وارد ادبیات شده است که به باور وی، تمایز بین تهاتر و پول، جامعه‌شناختی است و نه منطقی؛ به طور مثال، طبق قاعده شناخته‌شده کلاور با پول می‌توان کالا خرید، با کالا نیز می‌توان پول خرید اما نمی‌توان با کالا، کالا خرید؛ در نتیجه اگر دو نفر گردو را با سیب تهاتر یا معاوضه می‌کنند، این را باید به عنوان مبادله خصوصی دانست که مبتنی بر ترجیح‌های ذهنی و تمایل‌های طرفین آن شکل گرفته است. هر چند پول برای زیمل نقشی دیگر را نیز بازی می‌کند: «هدف اساسی در تعامل دو طرف از تماس مستقیم آنها و روابطی که هر کدام از

طرفین ... با اجتماع اقتصادی خود دارند، زمانی حاصل می‌شود که آن اجتماع پول را پذیرفته باشد ... [که] ... فقط یک ادعایی در جامعه است» (زیمل، ۱۹۷۸م، ص ۱۷۷).

این صورت از استدلال به دو نتیجه ختم می‌شود: الف) توجه به این واقعیت که مدل «واقعی» تهاتر محض فقط می‌تواند به شکل مبادله دوطرفه باشد و به لحاظ تاریخی نمی‌تواند ارجاع دقیقی از یک نظام اقتصادی واقعی با هر سطحی از پیچیدگی را نمایندگی کند. هر حرکتی به سمت مبادله‌های چندطرفه با کالاهای ناهمگن مستلزم در نظر گرفتن پول دست‌کم به‌عنوان واحد محاسبه با یا بدون نشانه‌های قابل قبول است؛ ب) تمایز بین پول و اعتبار از اعتبار ساقط است چرا که هر دو تعهد به پرداخت هستند:

پول فلزی هم تعهد به پرداخت است و ... فقط فرق آن با چک در اندازه گروهی است که مورد قبول بودن آن را تأیید می‌کنند. رابطه معمول دارنده پول و فروشنده مستلزم این پذیرش جامعه‌شناسانه در گروه‌های اجتماعی است که مبادله‌های پولی، متمایز از تهاتر صورت می‌پذیرد - یعنی ادعای دارنده پول و اعتماد گیرنده آن به ادعای نفر پیش، در جامعه قابل احترام باشد - (همان، ص ۱۷۸).

به‌طور کلی هر کدام از این انواع پول، وضعیت خاص خود را دارد اما تمام این شرایط اساساً اجتماعی هستند و تمایز مرسوم اقتصادی بین پول و اعتبار فقط این واقعیت ساده اما ضروری را در پس پرده باقی می‌گذارد. روابط پولی، روابط اجتماعی است و به تبع آن، تمام اشکال پول، ماهیتی معتبر دارند (زیمل، ۱۹۹۹م).

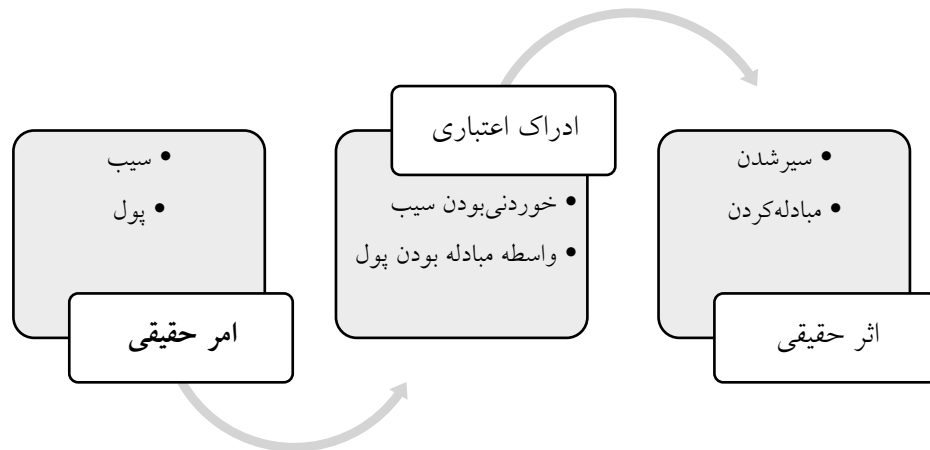
چیستی اعتباریات*

تعریف مرحوم علامه از عمل اعتبارکردن به این قرار است: «با عامل‌های حسی حد چیزی را به چیز دیگری بدهیم به‌منظور ترتیب آثاری که ارتباط با عامل‌های احساسی خود دارند» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۱۶۱). وقتی یک امر حقیقی داریم و یک اثر حقیقی، اعتبار بین این دو قرار دارد؛ به‌طور مثال، سیب، امری حقیقی است و خوردنی بودن سیب اعتباری و سیری یا لذتی که در اثر خوردن سیب پدید می‌آید اثر حقیقی قلم‌داد می‌شود (اولیایی، ۱۳۸۹، ص ۹۸).

*. علامه رحمته‌الله در آثار دیگر خود نیز به موضوع اعتباریات پرداخته‌اند که جهت مطالعه بیشتر ر.ک به: رساله فی الاعباریات (الافکار التي یخلقها الانسان) و حاشیه الکفایه.

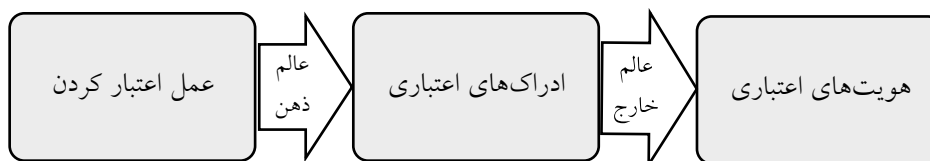
به تناسب موضوع در زمینه پول می‌توان گفت: پول به‌عنوان یک جسم - فلزی یا کاغذی - امری حقیقی، واسطه مبادله‌بودن آن اعتباری و رفع نیاز مبادله و معامله که به‌وسیله آن صورت می‌پذیرد، اثر حقیقی است. پول پیش از آنکه بخواهد به‌واسطه با ارزش بودن یا نبودنش با کالاها و خدمات مبادله شود، به این علت که معادل ارزش اسمی خود برطرف‌کننده نیازهای حقیقی انسان است، انسان‌ها ارزش را بر آن اعتبار کرده‌اند.

شکل ۱: چستی اعتباریات و نقش آن در زندگی



اعتباریات در ذهن انسان به‌صورت ادراک‌های اعتباری ظاهر می‌شود. ادراک‌های اعتباری، فرض‌هایی است که ذهن به‌منظور رفع احتیاج‌های حیاتی، آنها را ساخته و جنبه وضعی، قراردادی و فرضی دارد و با واقع و نفس‌الامر سروکاری ندارد» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۸). ادراک‌های اعتباری در عالم خارج هویت‌های اعتباری را پدید می‌آورد. این هویت‌های اعتباری وجود خارجی ندارند؛ اما از واقعیت خارجی منفصل نیستند؛ به‌طور مثال در عالم خارج چیزی به‌عنوان پول، وجود خارجی ندارد؛ اما این هویت اعتباری در اتصال با ماده که همان تکه کاغذ یا یک فلز است، پدید آمده است (اولیایی، ۱۳۸۹، ص ۹۹).

شکل ۲: پدیدآمدن ایجاد هویت‌های اعتباری



اعتباریات نقش حیاتی در زندگی انسان ایفا می‌کند و این نقش آنقدر برجسته و گسترده است که انسان‌ها گاه از وجود آن غافل می‌شوند. به تعبیر مرحوم علامه علیه السلام، انسان بدون اعتبار مانند ماهی بدون آب است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۴۷). هویت فردی و اجتماعی انسان با سازوکار اعتبارسازی شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد. همان‌گونه که آب لازمه تحرک و رشد ماهی است، اعتباریات نیز شرط حیات و تکامل انسان می‌باشد و اساساً هیچ فعل ارادی انسان بدون اعتباریات تحقق نمی‌یابد (طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۱۸۱).

ادراک‌های اعتباری در برابر ادراک‌های حقیقی

ادراک‌های اعتباری در برابر ادراک‌های حقیقی تعریف می‌شود و بیان تفاوت‌های این دو می‌تواند در درک بهتر مفهوم ادراک‌های اعتباری اثرگذار باشد. شهید مطهری علیه السلام (۱۳۸۰، ص ۳۷) در بیان این تفاوت به نکات ارزنده‌ای اشاره می‌کند که خلاصه آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: ادراک‌های حقیقی در برابر ادراک‌های اعتباری

ادراک‌های اعتباری	ادراک‌های حقیقی
جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس‌الامر سروکاری ندارد.	انکشاف‌ها و انعکاس‌های ذهنی واقع و نفس‌الامر است.
ارزش منطقی ندارد.	ارزش منطقی دارد.*
تابع احتیاج‌های حیاتی و عامل‌های ویژه محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند.	تابع احتیاج‌های طبیعی موجود زنده و عامل‌های ویژه محیط زندگانی وی نیست و با تغییر احتیاج‌های طبیعی و عامل‌های محیط تغییر نمی‌کند.
یک سیر تکاملی، نشوء و ارتقا را طی می‌کند.	قابل تطور، نشوء و ارتقا نیست.
نسبی، موقت و غیرضروری است.	مطلق، دائم و ضروری است.

*. یعنی می‌توان آن را در برهان‌های فلسفی، علمی، طبیعی یا ریاضی جای داد و نتیجه علمی یا فلسفی گرفت و همچنین می‌توان از برهان فلسفی یا علمی، ادراک حقیقی تحصیل کرد.

تمایز ادراک‌های حقیقی از ادراک‌های اعتباری ضروری و عدم تفکیک آنها از یکدیگر مضر و خطرناک است. همین عدم تفکیک است که بسیاری از اندیشه‌وران را از پا در آورده است که بعضی اعتباریات را با حقیقت‌ها قیاس کرده و با روش‌های عقلایی مخصوص حقایق در اعتباریات سیر کرده‌اند و برخی به عکس، نتیجه مطالعه‌های خود را درباره اعتباریات در رابطه با حقایق تعمیم داده‌اند و حقایق را مانند اعتباریات مفهوم‌های نسبی و متغیر و تابع احتیاج‌های طبیعی پنداشته‌اند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۳۷۲). در مثال پول، مصداق خارجی آن اعم از فلز یا کاغذ ادراک حقیقی است؛ اما مفهوم پول به‌عنوان واسطه مبادله مورد قبول جامعه، ادراک اعتباری است.

اعتباریات پیش از اجتماع در برابر اعتباریات پس از اجتماع

تقسیم‌بندی‌های متنوعی از انواع اعتباریات ارائه شده است که به تناسب بحث مقاله پیش رو، تقسیم‌بندی اعتباریات با رویکرد جامعه‌شناختی ارائه می‌شود. علامه طباطبائی^ع اعتباریات را بر اساس وابستگی یا عدم وابستگی به اجتماع به دو گروه تقسیم می‌کند. اعتباریات پیش از اجتماع که عبارت هستند از وجوب، حُسن و قبح، انتخاب اخف و اسهل، استخدام و اجتماع و متابعت علم و همچنین اعتباریات پس از اجتماع که شامل اصل ملک، کلام و سخن، ریاست و مرئوسیت و لوازم آنها و اعتباریات درباره تساوی طرفین می‌شود. در ذیل تبیین مختصری از هر یک از اعتباریات اعم از پیش از اجتماع یا پس از اجتماع ارائه می‌شود.

اعتباریات پیش از اجتماع

۱. اعتبار وجوب: به باور علامه^ع، انسان قوه‌های فعاله خود را نخستین‌بار برای ساختن نسبت ضرورت و وجوب میان خود و فعلی که انجام می‌دهد، به‌کار می‌گیرد. فاعل به هنگام انجام هر فعلی به وجوب آن باور دارد؛ اگرچه بعد از انجام عمل ممکن است این وجوب را منکر شود. این اعتبار نخستین اعتباری است که انسان انجام می‌دهد، همچنین در تمام افعال انسانی وجود دارد؛ بنابراین عمومی است (خسروشاهی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶).

۲. اعتبار حُسن و قبح: اعتبار دیگری که می‌توان گفت زائیده بلافصل اعتبار وجود عام می‌باشد اعتبار حُسن و قبح است که انسان پیش از اجتماع نیز به اضطرار آنها را اعتبار خواهد کرد (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۴۳۱). انسان در رویارویی با دنیای اطراف خود

واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهد که می‌توان آنها را در دو دسته کلی خوب و بد جای داد. ما از دیدن منظره زیبا خوب و از دیدن منظره زشت بد را اعتبار می‌کنیم.

۳. اعتبار انتخاب اخف و اسهل: اعتبار سوم پیش از اجتماع، انتخاب اخف و اسهل است؛ یعنی انسان پیوسته می‌خواهد با سرمایه کم، سود بسیار برد و با کوشش سبک‌تر، کاری سنگین‌تر انجام دهد (همان، ص ۴۳۳).

۴. اعتبار استخدام و اجتماع: اعتبار استخدام و اجتماع به صورت فردی در انسان وجود دارد. وی از هر پدیده مادی برای حفظ بقای خود استفاده می‌کند. از نظر علامه رحمته‌الله اجتماع نیز به همین علت شکل می‌گیرد و به تعبیری اجتماع تعاونی است که احتیاج‌های همه با همه تأمین می‌شود (همان، ص ۴۳۶). وی پاسخی نیز به پرسش مقدر درباره شباهت این اعتبار با مفهوم بهره‌کشی و استثمار دارند و این دو را از هم متمایز می‌کنند. انسان با هدایت طبیعت و تکوین پیوسته از همه سود خود را می‌خواهد (اعتبار استخدام) و برای سود خود، سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه عدل اجتماعی را می‌خواهد (اعتبار حُسن عدالت و قبح ظلم)؛ بنابراین راه رسیدن به سود شخصی در اعتبار استخدام، رساندن سود به دیگران است و نمی‌توان با ضررزدن به جامعه، سود خود را افزایش داد.

۵. اصل متابعت علم: انسان در رویارویی با اشیا، چهار حالت نفسانی یعنی علم، ظن، شک و وهم دارد که فقط در علم ادراک متزلزل نیست؛ بنابراین ادراک علمی برابر با واقعیت خارج می‌شود و علم، اعتبار واقعیت می‌یابد. از نظر علامه رحمته‌الله انسان به حسب فطرت و غریزه، رئالیست و واقع‌بین است (طباطبایی، ۱۳۶۷، مقاله دوم و سوم)؛ بنابراین اگر به وجود چیزی علم داشته باشد تا علم به بطلان وجود وی نرسانیده، علم نخستین را معتبر می‌دارد.

اعتباریات پس از اجتماع

۱. اصل ملک: اصل ملک ریشه در اصل اختصاص دارد. در حقیقت، اصل ملک پس از شکل‌گیری اجتماع، همان اصل استخدام پیش از اجتماع است که به صورت‌های گوناگون مانند زوجیت، دوستی، همسایگی، پدر و فرزندی و ... ظاهر شده است.

در توضیح این اصل است که علامه رحمته‌الله اعتبار پول را مطرح می‌کند:

در مرتبه تالی این اعتبار، به واسطه احتیاج‌هایی که هر یک از افراد اجتماع به مواد متصرفی و بالخصوص ملکی غیر پیدا کرده‌اند، به اضطرار اعتبار «تبدیل» پیش آمده ... و به واسطه اعتبار

«مبادله» تقسیم‌های تازه‌ای به واسطه اختلاف‌های نوعی مالک و اختلاف نوعی اعیان مملو که پیش آمده که خاستگاه اعتبار سلسله موضوع‌های اعتباری دامنه‌دار از معاملات گوناگون و وضع احکام گوناگون برای آنها شده است؛ در نتیجه عدم تعادل نسبی میان موارد مورد مبادله، احتیاج به اعتبار پول پیش آمده که یکی از مواد مورد رغبت را واحد مقیاس برای سنجش دیگر مواد مورد حاجت قرار دهند؛ البته این اعتبار نیز یک سلسله اعتبارهای فرعی مربوطه را ایجاد می‌کند که دستگاه وضع پول طلا و نقره و اسکناس و چک و اوراق دیگر بهادار و اعتبار و ... با احکام و آثار خود نماینده آنها هستند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۴۴۵ - ۴۴۶).

۲. اصل کلام: علامه باور دارد که «نیازمندی به ساختن سخن و وضع لفظ دلالت‌کننده از چیزهایی است که انسان در نخستین مرحله اجتماع پی به آن می‌برد؛ زیرا هر اجتماع کوچک یا بزرگ احتیاج افراد خود را به فهمیدن مقاصد و منویات همدیگر تثبیت می‌کند (همان، ص ۴۴۶).

۳. اصل ریاست: در جوامع ابتدایی افراد قوی‌تر بر دیگران مسلط بودند و اراده خود را به آنان تحمیل می‌کردند؛ یعنی وجود فعال خود را بزرگتر و وسیع‌تر می‌ساخته و در میان افراد پراکنده، نسبتی پیدا کرده‌اند که نسبت روان به تن یا به عبارت ساده‌تر نسبت سر به بدن است؛ در نتیجه این اعتبار، لوازم طبیعی حقیقت این نسبت مانند فرمانروایی جامعه و انقیاد دسته‌جمعی و انقیادهای فردی و سلسله مقررات، رسوم و آداب که مقام رئیس را نشان داده و مظاهر احترام و تعظیم وی می‌باشد، اعتبار شده است (همان، ص ۴۴۸).

۴. اصل تساوی طرفین: اگر بپذیریم که اصل ریاست حکایت از موقعیت برتر دارد، اصل تساوی طرفین به موقعیت تساوی و تعادل اشاره می‌کند. اصل تساوی طرفین در اقسام مبادله‌ها، ارتباطها و حقوق متعادل اجتماعی صادق است (همان، ص ۴۵۱).

اصول زیربنایی اعتباریات

اعتباریات مبانی منطقی و دینی مشخصی دارد. اعتباریات از یک سو بر اصل استخدام مبتنی است که خود اصل استخدام از اصل دیگری یعنی علت و معلولیت حکایت دارد که همگی بر پایه فطرت انسانی معنا می‌یابند.

شکل ۳: اصول زیربنایی اعتباریات



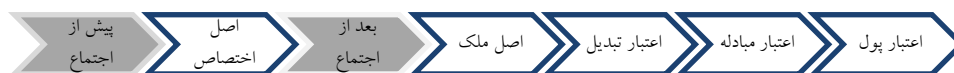
همان‌طور که توضیح داده شد، انسان مطابق غریزه فطری و میل طبیعی همواره می‌خواهد از قوه‌های دیگران به نفع خود استفاده کند که این به اصل استخدام می‌انجامد؛ بنابراین می‌توان اعتباریات را نیز وسیله‌ای دانست که انسان از آن برای بهره‌گیری و استخدام استفاده می‌کند. اصل استخدام خود بر پایه اصل علّیت و معلولیت است. رابطه بین علت و معلول، رابطه‌ای حقیقی در عالم است که انسان از آن در فرایند اعتبارسازی استفاده می‌کند: «... البته تمام اینها مستوره و نمایش‌دهنده سازمان حقیقی علیت و معلولیت است که حتی در اندیشه‌های اعتباری خودنمایی می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۲۲۹).

به باور مرحوم علامه علیه السلام، اعتباریات علوم عملیه‌ای است که در خارج نفس انسانی اعتبار ندارد و شاید به همین جهت، فجور و تقوا را به نفس نسبت داد و درباره کارهایی که نباید کرد فرمود: «و ما هذه الحياه الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الاخره لهي الحيوان لو كانوا يعملون»، چون لعب، عملی است که جز در خیال حقیقتی ندارد، زندگی هم همین‌طور است، جاه و مال، تقدم و تأخر، ریاست و مرئوسیت و دیگر امتیازاتش خیالی است و در واقع و خارج از ذهن صاحب آن حقیقتی ندارد؛ به این معنا که آنچه در خارج است، حرکت‌هایی می‌باشد طبیعی که انسان به وسیله آن حرکات در ماده‌ای از مواد عالم تصرف می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۵).

اعتبار پول

همان‌طور که در توضیح اصل ملک آمد، پول محصول فرایند زیر است:

شکل ۴: فرایند اعتبار پول با استفاده از اصول اعتباری



اصل اختصاص پیش از اجتماع، به اصل ملک پس از اجتماع تغییر می‌یابد؛ سپس انسان به علت تنوع نیازها، تبدیل را در آنچه که دارد، اعتبار می‌کند و از آنجا که دیگری نیز به چنین اعتباری رسیده است، مبادله به صورت بین‌الاذهانی اعتبار می‌شود؛ اما از آنجا که لزوماً تعادلی بین نیازهای دو طرف وجود ندارد پول به عنوان واسطه مبادله اعتبار می‌شود.

این حکایت از پول در تطابق کامل با چیزی است که تحت عنوان تاریخ شکل‌گیری پول در ادبیات اقتصادی وجود دارد. در جوامع ابتدایی انسان‌ها آنچه را که در تملک خود داشتند بدون توسل به واسطه، با هم مبادله می‌کردند که به نظام تهاتر (Barter) یا تروک Troc (Truck) موسوم است. این روش مبادله دشواری‌هایی مانند عدم سازگاری نیازهای متقابل و فقدان معیار سنجش را دارد؛ بنابراین مفهوم پول کالایی شکل گرفت که در آن کالاهایی که بیشتر خواهان داشتند، افزون بر داشتن خاصیت کالایی، جنبه واحد و معیار سنجش را نیز پیدا کردند.* با انتخاب واحد ارزش هر چند عمل مبادله نسبت به پیش تسهیل شد اما دشواری‌های اساسی مبادله همچنان باقی ماند؛ زیرا پول‌های کالایی با گذشت زمان فاسد می‌شدند و نگه‌داری آنها نیز نیازمند مکان وسیعی بود. این دشواری‌ها بشر را بر آن داشت که در جست‌وجوی چیزی به‌عنوان واحد ارزش باشد که ضمن داشتن حجم کم، واجد ارزش باشد و سرانجام فلزات به‌ویژه طلا و نقره که چنین خواصی دارند به‌عنوان وسیله مبادله انتخاب شدند (قدیری اصلی، ۱۳۶۸، ص ۸۷).

سطور پیشین تحلیلی تاریخی از شکل‌گیری اعتبار پول است اما می‌توان تحلیلی منطقی نیز از شکل‌گیری پول ارائه داد. به این ترتیب که پول به مثابه اعتبار از یک عمل ذهنی منتج شده و وجود حقیقی ندارد؛ اما این اعتبار به‌علت یک نیاز شکل گرفته و آن نیاز به مبادله است و به موازات پیچیده‌شدن انواع مبادله‌ها، اشکال پولی متنوع تولید شده است.

دلالت‌های مفهومی

پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس‌الامر سروکاری ندارد و همچنین پول ارزش منطقی ندارد؛** بنابراین نمی‌توان آن را به‌صورت یک کالا در نظر گرفت و بازاری برای عرضه و تقاضای آن پدید آورد. کالانبودن پول به‌معنای فیزیکی نبودن

*. در هندوستان صدف، در ایران غلات، در حبشه بسته‌های فلفل و نمک، در تبت بسته چای، در ویرجینیا تنباکو، در روسیه پوست سمور و در حوالی مدیترانه گوسفند معیارهای سنجش و واحدهای ارزش بودند (قدیری اصلی، ۱۳۶۸، ص ۸).

** ادراک‌ها چون زاینده عامل‌های احساسی هستند، دیگر ارتباط تولیدی با ادراک‌ها و علوم حقیقی ندارند و به اصطلاح منطقی، یک تصدیق شعری را با برهان نمی‌شود اثبات کرد (ر.ک به: لطیفی، ۱۳۹۱).

آن نیست بلکه به این معناست که پول چه در شکل فیزیکی و چه به عنوان پول اعتباری، به منظور مصرف در جامعه تولید نمی‌شود. همچنین کالا به خودی خود ارزش دارد و در صورت برقرار نبودن روابط اجتماعی قابل مصرف است؛ اما پول فقط در چارچوب جامعه و روابط اجتماعی حاکم بر آن ارزشمند بوده و واسطه‌گری می‌کند.

این استنباط به تفصیل در ادبیات کارل پولانی پافشاری شده است. به باور وی نظام بازار عبارت است از نوعی نظام اقتصادی که در آن تولید کالایی شکل معمول تولید است و از این نیز مهم‌تر، تمام نهاده‌ها در فرایند تولید به شکل کالا در می‌آیند و در بازارها خرید و فروش می‌شوند. این نهاده‌ها کار و زمین - یعنی طبیعت و محیط زیست - و پول هستند؛ اما گرچه به شکل کالا در می‌آیند و در بازارها خرید و فروش می‌شوند یا اصلاً تولید نمی‌شوند - به طور مثال طبیعت - یا اگر هم تولید شوند برای فروش در بازارها تولید نمی‌شوند - به طور مثال کار و پول - به همین علت است که پولانی آنها را کالاهای موهوم نام‌گذاری می‌کند (پولانی، ۱۳۹۱).

پول فقط نماد قدرت خرید است که بنا به قاعده اصلاً تولید نمی‌شود بلکه از مجرای سازوکار بانکی یا مالیه دولتی پدید می‌آید. هیچ‌یک از اینها برای فروش تولید نمی‌شوند. تعریف کالانگاران از کار، زمین و پول به طور کامل موهوم است. به کمک همین وهم است که بازارهای واقعی کار، زمین و پول سازمان‌دهی می‌شوند. اینها در بازار حقیقتاً خرید و فروش می‌شوند. عرضه و تقاضای شان مقادیر واقعی است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود مفهوم وهم که مد نظر پولانی است در قرابت نزدیک با مفهوم فرضی، قراردادی و اعتباری پول نزد علامه علیه السلام می‌باشد.

این تلقی از پول کم‌وبیش در میان تجربه‌گرایان قرن هفدهم نیز وجود دارد. به باور دیوید هیوم، پول ارزش ذاتی (Intrinsic value) ندارد و فقط ابزاری ساده برای گردش است که ظرفیتی معادل پول محاسباتی (Money of account) دارد. پول در گردش فقط نیازمند ارزش ساختگی (Fictitious value) است که مقدار آن از عرضه و تقاضایش به دست می‌آید (هیوم، ۱۷۵۲، ص ۴۸۳۳).^{*} این رویکرد در اساس مستلزم این است که با پول

*. این دیدگاه افزون بر هیوم، به وسیله مونتسکیو (۱۷۴۸م)، وندرلینت (۱۷۳۴م) و لاک (۱۶۹۱م) نیز بیان شده است (ر.ک به: گرین، ۲۰۰۸م).

به‌عنوان کالا رفتار نکنیم بلکه آن را رسیدی (Voucher) برای خرید کالا بدانیم (شومپتر، ۱۳۷۵، ص ۳۹۳-۳۹۴). این در حالی است که اقتصاددانان کلاسیک، پول را کالای واقعی تلقی می‌کنند که ارزش آن مانند دیگر کالاها به‌وسیله میزان زمانی که برای تولید آن نیاز است، به‌دست می‌آید (Smith, 1776, p.24/ Ricardo, 1821, pp.85-86).

دلالت‌های اجتماعی

پول تابع احتیاج‌های حیاتی و عامل‌های ویژه محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند، همچنین پول سیری تکاملی، نشوء و ارتقا را طی می‌کند؛ بنابراین تغییر شکل پول از پول کالایی و فلزات به پول کاغذی و اعتباری نه‌تنها منطقی و مجاز است بلکه به‌واسطه گسترش و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی ضروری نیز خواهد بود؛ اما باید توجه داشت تغییر پول تا زمانی مجاز است که اعتباری‌بودن آن را زیر پرسش نبرد. در حقیقت پول در هر شکلی که پدید آید، نباید بیش از مابه‌ازای خارجی خود باشد. این مابه‌ازا می‌تواند طلا و فلزات گرانبها و به‌طور کلی ثروت یک کشور باشد یا معادل تولید کالایی آن. نظری (۱۳۸۹، ص ۱۵۵) در این باره با اشاره به لزوم هماهنگی بین دو بخش پولی - اعتباری و واقعی در اقتصاد اسلامی باور دارد در اقتصاد آزاد، پایه حرکت نظام مالی نرخ بهره انواع بدهی است و در اقتصاد اسلامی مبنای حرکت نظام مالی بازدهی سرمایه در مشارکت می‌باشد؛ بنابراین در اقتصاد آزاد، قرض‌دادن حتی اگر به تولید نینجامد بازدهی مالی پدید می‌آورد و ممکن است درآمدهای بسیاری بدون افزایش تولیدهای حقیقی پدید آمده و گردش پولی از گردش کالاها و خدمات حقیقی فاصله داشته باشد. این وضعیت در حقیقت انعکاسی از عدم هماهنگی بین دو بخش اعتباری و واقعی است که عامل اصلی آن رابطه حقوقی بهره می‌باشد. در برابر در قراردادهای مشارکتی اقتصاد اسلامی پس‌اندازکننده همزمان با پدیدآمدن درآمد اضافی تولید کالاها و خدمات حقیقی را افزایش می‌دهد و بعد از به بازدهی نشستن سرمایه‌گذاری و برگشت سرمایه دوباره منبع جدیدی برای مشارکت پدید می‌آورد؛ اما در اقتصاد اسلامی گردش پولی با فاصله از گردش کالا و خدمات حقیقی انجام نمی‌پذیرد.

این دیدگاه مشابه نظرهای ریکاردو در مجادله‌هایی معروف به مجادله‌های شمش بین دو گروه است. یک گروه به رهبری ریکاردو و مشتمل بر شمش‌گرایان - آنهایی که طرفدار گزارش شمش ۱۸۱۰م هستند - است که بعداً مکتب پول در گردش نام گرفت. گروه دیگر دربردارنده ضد شمش‌گرایان و مکتب بانکداری است و مهر تأیید آن به‌وسیله مارکس زده شده است (گرین، ۲۰۰۸م، ص ۱۲۴۷). ریکاردو تحلیل خود را با شناسایی نیاز به جایگزینی طلا و نقره در گردش با کاغذ آغاز کرد به شرطی که پول به همان میزان، فلز از گردش خارج شده منتشر شود که این به معنای در نظر گرفتن ارزش مشخصی از فلزات به‌عنوان استاندارد پول است: «پول در جریان هنگامی در کامل‌ترین حالت خود است که پول تماماً کاغذی باشد اما معادل ارزش طلایی که پشتوانه آن است» (ریکاردو، ۱۸۲۱م، ص ۳۵۵). ریکاردو در ادامه /سمیت، قانونی شدن قابلیت تبدیل پول کاغذی را بحث کرد. به باور وی از آنجایی که برابری طلا و اسکناس تضمین شده است، آنها نمی‌توانند اسکناس بیشتری از سکه‌ای که در غیر این صورت می‌توانستند ضرب کنند، چاپ کنند. هر کوشش برای فزونی یافتن از این قاعده، ممکن است اسکناس‌ها را به خزانه برای دریافت سکه بازگرداند و این یعنی کاهش ارزش هر دو پول فلزی و کاغذی و متعاقباً صادرات شمش‌های اضافی (Ricardo, 1923, pp.7-13). چاپ بیش از حد اسکناس‌های غیرقابل تبدیل در قالب پول مختلط از اسکناس و سکه نیز اثری مشابه دارد تا زمانی که چاپ اسکناس بیشتر از مقدار سکه در گردش نباشد (Ricardo, 1923, pp.108-112).

در سال ۱۸۰۹م زمانی که ریکاردو وارد مجادله شمش شد، پول رایج به‌طور عمده پول کاغذی تبدیل‌ناپذیر به سکه بود؛ بنابراین افزایش قیمت‌های کالا را - تا آنجا که مطابق با اضافه ارزش (Premium) شمش بود - با اضافه چاپ (Overissue) پولی وصف می‌کرد. اضافه چاپ این چنینی اثر دیگری غیر از افزایش قیمت پولی شمش بدون کاستن از ارزش آن ندارد که با ثبات حالت و نسبت پولی به افزایش قیمت دیگر کالاها می‌انجامد. به‌عبارت دیگر، هر چند پول کاغذی تضعیف می‌شود، اما قیمت شمش (Bullion price) کالاها یا نسبت ارزش شمش به ارزش کالاها ثابت می‌ماند؛ از این رو کاهش ارزش نرخ ارز فقط اسمی است، سقوط واقعی نیست و موجبات صادرات شمش را فراهم نمی‌سازد (Green, 2008).

در ادبیات اقتصادی و بانکی متعارف، پول و خلق آن در نظام بانکی بر تولید مقدم است؛ بنابراین خلق آن لازمه تولید و فعالیت آن در نظام اقتصادی سرمایه‌داری است. بر این اساس نه تنها خلق پول به معنای رایج آن طبق عملیات وام‌دهی مجدد مجاز شمرده می‌شود بلکه پول خلق الساعه (Ex Nihilo) به معنای توان بانک‌ها برای وام‌دهی به مشتریان خود بدون توجه به سطح موجود سپرده‌ها تأیید می‌شود (Ingham, 2004, pp.16-41). در برابر، رویکردی به وسیله اتریشی‌های جدید تحت عنوان «بانکداری ذخایر کامل» مطرح شده است که طبق آن بانک درباره سپرده‌های دیداری فقط نقش امانت‌دار را در ازای دریافت کارمزد ایفا کرده و درباره سپرده‌های مدت‌دار و دیگر سپرده‌های غیر قابل برداشت تا زمان معین می‌تواند نقش واسطه‌گری مالی و اعطای تسهیلات را ایفا کند. این الگو متضمن سلب و از بین رفتن قدرت خلق پول نظام بانکی است (See Greenham et al, 2011).

پول طبق نظریه ادراک‌های اعتباری، نسبی و موقت و غیر ضروری است؛ بنابراین می‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که بدون توجه به نظم و ساختار پولی کنونی، نظام اقتصادی خود را سامان دهد. هیچ ضرورتی حتمی در توسعه پول و نهادهای آن اعم از بانک نیست، همچنین نظام کنونی پولی که پول در آن جزئی مطلق، دائمی و ضروری است، با اعتباری بودن پول قرابتی ندارد. اساساً بروز پدیده ربا در جوامع غربی به علت موضوعیت یافتن پول و تبدیل شدن آن به نهاد ضروری اقتصاد است. به باور علامه علیه السلام در این جوامع پول به جای اینکه وسیله آسانی مبادله اموال باشد، به عنوان یک جنس و کالا با سود اضافی معامله می‌شود و در برابر ربح و سود اضافی کار یا کالایی قرار نگرفته است (خسروشاهی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله پیش رو در پی تبیین فلسفی از پول بودیم و با استناد به بحث ادراک‌های اعتباری نشان دادیم، پول، مفهومی اعتباری است. ابتدا تبیینی از پول از دید اعتباریات علامه طباطبایی علیه السلام ارائه کردیم؛ سپس ویژگی‌های پول به عنوان نفس الامر اعتباری مطرح و آن‌گاه دلالت‌های پولی و بانکی آن در نظام اقتصادی مشخص شد. سرانجام دیدگاه‌های مشابه و موجود در ادبیات اقتصادی اشاره شد. خلاصه این بحث‌ها در جدول زیر آمده است:

جدول ۲: جمع‌بندی تحقیق

دیدگاه‌های مشابه	دلالت اقتصادی	ویژگی‌های پول به عنوان نفس‌الامر اعتباری
<p>- دیدگاه کارل پولانی</p> <p>- دیدگاه دیوید هیوم و جان لاک</p>	<p>- پول کالا نیست و نمی‌تواند ذخیره ارزش باشد.</p> <p>- پول بازار ندارد.</p>	<p>- پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد.</p> <p>- با واقع و نفس‌الامر سروکاری ندارد.</p> <p>پول ارزش منطقی ندارد.</p>
<p>- دیدگاه ریکاردو و شمش‌گرایان</p>	<p>- تنوع اشکال پولی مجاز و البته با توجه به گسترش نیازها ضروری است.</p> <p>- پول در هر شکلی فقط به ازای نفس‌الامر حقیقی خود باید پدید آید.</p>	<p>- پول تابع احتیاج‌های حیاتی و عامل‌های ویژه محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند.</p> <p>- پول یک سیر تکاملی و نشوء و ارتقا را طی می‌کند.</p>
<p>- اتریشی‌های جدید</p>	<p>- می‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که بدون توجه به نظم و ساختار پولی کنونی، نظام اقتصادی خود را سامان دهد.</p> <p>- هیچ ضرورتی حتمی در توسعه پول و نهادهای آن اعم از بانک نیست.</p> <p>- نظام کنونی اقتصادی در دنیا که پول در آن جزء مطلق، دائمی و ضروری است، اعتباری تلقی نمی‌شود.</p>	<p>- پول نسبی، موقت و غیرضروری است.</p>

به‌عنوان نتیجه بحث‌ها می‌توان گفت پول اعتبار پس از اجتماع است؛ بنابراین همان‌طور که اینگام (۱۹۹۹م) اشاره می‌کند، پول در نفس خود رابطه‌ای اجتماعی است؛ یعنی پول چیزی نیست جز برابند مالکیت در ساختار روابط اجتماعی. همچنین پول به مثابه ادراک اعتباری نمی‌تواند فراتر از مابه‌ازای واقعی خود پدید آید؛ بنابراین سیاست پولی به معنای دادن نقش فعال به پول و خلق آن بدون توجه به بخش واقعی و با هدف تأمین مالی دولت در تلقی مقاله پیش رو مورد تأیید نیست؛ در نتیجه به نظر می‌رسد پول در اقتصاد اسلامی در سازگاری با نظام بانکداری ذخیره‌های کامل است که چپرا در کتاب به سوی یک سیستم عادلانه پولی (۱۹۸۵م) و محسن‌خان در کتاب بانکداری بدون بهره (۱۹۸۶م) نیز این موضوع را مطرح کرده‌اند.

منابع و مأخذ

۱. اردستانی، محمدعلی؛ نفس‌الامر در فلسفه اسلامی؛ چ ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۲. اولیایی، منصوره؛ واقعیات اجتماعی و اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله و جان سرل؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
۳. اینگام، جفری؛ پول رابطه‌ای اجتماعی است؛ ترجمه علی‌اصغر قائمی‌نیا؛ ترجمان ISSN: 2345-282x، ۱۹۹۹م.
۴. پولانی، کارل؛ دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما؛ ترجمه محمد مالجو؛ تهران: نشر پردیس دانش، ۱۳۹۱.
۵. خسروشاهی، سیدهادی؛ اصول فلسفه رئالیسم؛ چ ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۶. دورکیم، امیل؛ قواعد روش جامعه‌شناسی؛ ترجمه علی‌محمد کاردان؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
۷. شومپیتر، جوزف؛ تاریخ تحلیل اقتصادی: از آغاز تا سده هجدهم؛ ترجمه فریدون فاطمی؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم؛ چ ۵، تهران: صدرا، ۱۳۶۷.

۹. _____؛ المیزان؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ چ ۳، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۰. _____؛ بررسی‌های اسلامی؛ به‌کوشش هادی خسروشاهی؛ چ ۴، ج ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
۱۱. قدیری اصلی، باقر؛ نظریه‌های پولی: پول؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۱۲. لطیفی، علی؛ «تحلیل وجوه معناشناختی، منطقی، معرفت‌شناختی و وجودشناختی نظریه اعتباریات علامه طباطبایی»؛ فصلنامه اسراء، س ۴، ش ۳، پیاپی یازدهم، ۱۳۹۱.
۱۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۶، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۱۴. نظری، حسن‌آقا؛ «تأثیر بخش اعتباری - قراردادی آموزه‌های اسلامی بر بخش واقعی اقتصاد به‌عنوان زمینه شکل‌گیری نظریات علمی اقتصاد اسلامی»؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
15. Green, Roy; **The Classical Theory of Money**; The New Palgrave Dictionary of Economics, Second Edition, Edited by Steven N. Durlauf and Lawrence E. Blume, 2008.
16. Greenham, Tony; Josh Ryan-Collins; Werner Richard; **Where does money come from?**; London, New Economics Foundation, 2011.
17. Hume, D.; **Writings on Economics**; Oxford: Oxford University Press, 1955, 1752.
18. Ingham, Geoffrey; **The Nature of Money**; Cambridge: Polity Press. London: Routledge, 2004.
19. Locke, J.; **Consequences of the lowering of interest and raising the value of money**; In Principles of Political Economy, ed. J.R. McCulloch. London: Ward, Lock & Co., 1825, 1691.

20. Montesquieu, C.; **The Spirit of Laws**; London: George Bell & Sons, 1900, 1748.
21. Ricardo, D.; **Principles of Political Economy and Taxation**; Ed. P. Sraffa, Cambridge: Cambridge University Press, 1951, 1821.
22. Ricardo, D.; **Economic Essays**; London: Frank Cass, 1923.
23. Searle, John. R.; **The construction of social reality**; New York: The free press, 1995.
24. Simmel, G.; **The Philosophy of Money**; London: Routledge; 1907, 1978.
25. Smith, A.; **An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations**; London: Routledge, 1890, 1776.
26. Vanderlint, J.; **Money Answers All Things**; London: T. Cox, 1734.